

نقش بازرگانان سوئسی در تجارت خارجی فرش ایران در عصر قاجار

رضا فاضلی^۱

رضا شعبانی صمغ آبادی^{*۲}

سینا فروزش^۳

چکیده

برقراری روابط سیاسی میان ایران و سوئیس به معنای خاص کلمه به دوران قاجار باز می‌گردد، به گونه‌ای که در اواخر عصر قجری در سال ۱۹۱۹م سفارت ایران در برن سوئیس افتتاح گردید. حجم مراودات دیپلماتیک بین دو کشور افزایش یافت. اما پیش از روابط سیاسی روابط تجاری جریان داشته است چنانچه انتشار سفرنامه‌های ژان شاردن و دیگر سیاحان در اروپا و معرفی زندگی خیال انگیز و باشکوه عصر صفویه، اروپاییان را تشویق می‌کرد تا به مشرق زمین افسانه‌ای سفر کنند. صادرات انواع پارچه‌های زربفت و ترمه و قالی، بین خواص اروپایی خریداران بسیار داشت. در دوران طلایی ملکه ویکتوریا، بازرگانان، فرش‌های فاخر فراهان را از طریق اسلامبول به اروپا می‌فرستادند. این فرش‌ها علاوه بر جلوه هنری، اعتبار سرمایه داران اروپایی نیز بود و خانواده‌های اشرافی به داشتن یک تخته از آن‌ها افتخار می‌کردند. روش مورد استفاده در این تحقیق از نوع تحلیلی - توصیفی می‌باشد. سؤال اصلی این تحقیق این است که سوئسی‌ها چه نقشی در تجارت فرش ایران در زمان قاجار داشته‌اند؟ (ادواردز، سیسیل، قالی ایران) بر این اساس در مقاله حاضر به برخی رخدادهای در یکی از شرکت‌هایی که نقش مهمی در صادرات و فروش فرش در ایران داشت می‌پردازیم تا زوایای مختلفی از این روابط و تأثیراتی که در مسائل سیاسی داشتند مشخص شود.

واژگان کلیدی: تجارت خارجی، ایران، بازرگانی خارجی فرش، عصر قاجار

۱. دانشجوی دکتری گروه تاریخ، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

۲. استاد گروه تاریخ، واحد علوم تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

* shabanireza732@gmail.com

۳. دانشیار گروه تاریخ، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۳/۳۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱/۱۰

فصلنامه پژوهش‌های روابط بین‌الملل، دوره یازدهم، شماره پیاپی چهارم، صص ۳۷۱-۳۹۸

مقدمه

اقدامات و طرح‌های عمرانی و اقتصادی شاه عباس اول در قرن ۱۱ ق.م. و برقراری پیوند تجاری با دولتهای اروپایی از طریق راههای خشکی و دریایی به ویژه خلیج فارس دوره‌های از شکوفایی اقتصادی را رقم زد. در دوره صفویه ابریشم تبدیل به یکی از کالاهای کلیدی و اساسی در صادرات ایران شد. اما پس از دوره صفویه با توجه به وضعیت سیاسی و اقتصادی حاکم بر جغرافیای سیاسی ایران، دوره‌های از عدم ثبات (به‌ویژه درگیری‌های محلی در آستانه قرن نوزدهم) (سبب نوسانات در ساختار اقتصادی ایران شد. رقابت دولتهای اروپایی جهت انزوای عثمانی و گسترش تجارت با شرق سبب کشف راههای آبی و منجر به کشف آمریکا، تسلط بر هند و راهیابی دولتهای اروپایی یکی پس از دیگری به خلیج فارس شد. رشد شهرنشینی و ایجاد طبقه بورژوازی به شکلگیری تجارت دولتهای اروپایی و گسترش تجارت ادویه، ابریشم، شمش طلا در معاملات جهانی منجر شد. از سویی با ظهور انقلاب صنعتی در انگلیس، کارخانجات صنعتی به مواد خام اولیه و بازاری برای فروش محصولات صنعتی خود نیاز داشتند، که با کشف راههای دریایی و گسترش ارتباطات تجاری به ویژه در خلیج فارس، تولیدات و منسوجات صنعتی به سوی ایران سرازیر شد.

با توجه به وضعیت حاکم بر جامعه ایرانی در طی قرون ۱۸ و ۱۹ م. و ایجاد رابطه تجاری با دولتهای اروپایی در طی این دو قرن امتیازاتی به این دولتها داده شد. در این دوره بخش زیادی از رابطه اقتصادی ایران تحت تأثیر منسوجات صنعتی و افزایش حجم واردات از این کشورها قرار داشت و تراز بازرگانی ایران را منفی ساخته بود. ابریشم کالای اساسی و اقتصادی ایران به واسطه امراض دچار کاهش و نوسان شد. دولت ایران برای جبران و جایگزینی در صادرات به سوی کالاهای دیگری روی آورد. از سویی با شرایط جغرافیایی حاکم بر ایران، کشت محصولات کشاورزی مانند: پنبه، برنج، غالت و تریاک به عنوان جایگزین مطرح شد. اما از آنجاییکه با ظهور کارخانجات صنعتی پارچه‌های پنبه‌ای و برخی کالاهای مصرفی (چای، قند و شکر) به ایران وارد شد، این بار راهبرد دولت به سوی صادرات کالی راهبردی تولیدی مانند پشم خام و فرش کشیده شد. زیرا بخش زیادی از ساختار جمعیتی و اجتماعی جامعه ایران را عشایر تشکیل

می‌داد و یکی از محصولات اصلی آنها پشم، ماده اصلی بافت فرش بود. اما تا نیمه دوم قرن نوزدهم فرش این کالی راهبردی تحت تأثیر صادرات و اهمیت ابریشم قرار داشت. در اوایل قرن ۱۹م. و به‌ویژه از نیمه دوم این قرن تا شروع جنگ جهانی اول، صنعت فرش و فرش‌بافی رشد قابل توجهی داشت و در اقتصاد ایران نقش اصلی را ایفا کرد، به طوری که حجم زیادی از صادرات را در سالهای منتهی به جنگ جهانی اول به خود اختصاص داد.

انتشار سفرنامه‌های ژان شاردن و دیگر سیاحان در اروپا و معرفی زندگی خیال انگیز و باشکوه عصر صفویه، اروپاییان را تشویق می‌کرد تا به مشرق زمین افسانه‌ای سفر کنند. صادرات انواع پارچه‌های زربفت و ترمه و قالی، بین خواص اروپایی خریداران بسیار داشت. در دوران طلایی ملکه ویکتوریا، بازرگانان، فرش‌های فاخر فراهان را از طریق اسلامبول به اروپا می‌فرستادند. این فرش‌ها علاوه بر جلوه هنری، اعتبار سرمایه داران اروپایی نیز بود و خانواده‌های اشرافی به داشتن یک تخته از آن‌ها افتخار می‌کردند. (ادواردز، سیسیل، قالی ایران) یکی از شرکت‌هایی که نقش مهمی در صادرات و فروش فرش در ایران داشت و به مرور زمان در امور دیگر نیز به فعالیتهایی پرداخت کمپانی چند ملیتی زیگلر بود.

۱. رهیافت تحلیلی: اقتصاد سیاسی تاریخی فرش در عصر قاجار

شکل‌گیری و تثبیت سلسله قاجار در قرن نوزده میلادی / سیزده قمری، مصادف با ادغام ایران در شبکه جهانی تجارت بود. در چنین شرایطی که نظام اقتصادی- اجتماعی کشور هرگز مساعد رقابت با جوامع صنعتی نبود، ایران با یک اقتصاد سنتی و مقتضیات آن، به‌نگاه به عرصه اقتصاد بین‌المللی کشانده شد. بدین سان زیرمجموعه‌های نظام اقتصادی آن، یعنی کشاورزی، صنعت و تجارت که به حال خود رها شده بودند، به شدت تحت تأثیر روابط با کشورهای صنعتی قرار گرفته بودند و دچار دگرگونی عمیقی شدند. این بخشها به دلیل عدم امکان رقابت تولیدات آنها با تولیدات مشابه وارداتی، با بدفرجامی به شکست کشیده شدند. (فلور، ۱۳۹۳: ۱۶).

اطلاعات ما درباره وضعیت صنعت فرش ایران در نیمه اول قرن نوزده میلادی/ سیزده قمری، یعنی دوره قبل از احیا و رونق، بسیار محدود است. بنا بر گزارشهای ناچیز موجود، صنعت فرش در این دوره عموماً به عنوان صنعتی مهجور تلقی می‌شد که بیشتر یک حرفه روستایی بوده و در اصل توسط ایلات و عشایر و روستاییان انجام می‌گرفته است. با این حال، در برخی از شهرها و مناطق سنتی کشور همچون کرمان، اصفهان، آذربایجان، کردستان، کاشان، سلطانآباد (اراک)، همدان، هرات و مشهد به صورت محدود به تولید آن پرداخته می‌شد. (یارشاطر، ۱۳۸۳: ۹۶).

با توجه به اینکه بخش زیادی از ساختار جمعیتی و اجتماعی جامعه ایران را روستاییان و عشایر تشکیل می‌دادند، بافت فرش به‌طور عمده در مناطقی متمرکز بوده که به دلیل مجاورت با ایلات و عشایر، پشم به صورت فراوان و ارزان در دسترس قالیبافان بوده است. گفتنی است در میان بافندگان قالی، بافندگی فرش در بین تعداد اندک بافندگان شهری، نسبت به بافندگان عشایری که خود تولید کننده عمده پشم بودند، از نظم بهتری برخوردار بوده است.

ذکر این نکته لازم است که در نیمه اول قرن نوزده میلادی/ سیزده قمری، تولید قالی در ایران بیشتر برای تأمین نیازهای داخل کشور بوده و به میزان محدودی تولید می‌شده است. این قالیها در کارگاههای بافندگی تهیه نمی‌شد، بلکه (همانگونه که گفته شد) به‌طور معمول مردم روستاها و عشایر آنها را می‌بافتند و قطع آنها نیز اغلب کوچک و اندازیشان معمولاً دراز و باریک و طرح و نقش آنها تکراری بود (ادواردز، ۱۳۶۸: ۶۶). براساس برخی گزارشهای موجود، تولید فرش در دوره گفته شده، معمولاً توسط گروههای عشایری و روستایی و به صورت محدود انجام می‌شده است، اما فروش و تجارت آن در شهرها و مراکز روستایی و در بیشتر جاهای ایران رواج داشته و فرش همراه با ابریشم، پنبه و شال، از کالاهای عمده تجارت داخلی بوده است. حتی گفته می‌شود در اواسط قرن نوزده میلادی/ سیزده قمری، فرش‌هایی ظریف و مرغوب در تعدادی از مراکز سنتی بافت تولید می‌شده و معمولاً به کشورهای مجاور نظیر هندوستان، ترکیه و روسیه صادر می‌شده است (فلور، ۱۳۹۳: ۲۳؛ یارشاطر، ۱۳۸۳: ۹۷). در این دوره، بافت فرش (به صورت تجاری و یا غیرتجاری آن)

در بین ایلات و عشایر و روستاییان و تعداد اندکی از بافندگان شهری، در محل تأمین مالی می‌شده است. این کار معمولاً توسط اشخاص سرشناس چون تجار، استادکاران محلی، خانهای ایلات و عشایر که از حامیان اصلی بافت سنتی بوده‌اند، انجام می‌شده است.

۲. تقاضای روزافزون فرش ایران و گسترش سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی در

صنعت فرش

مهم‌ترین عاملی که باعث رشد و پیشرفت صنعت فرش در اواخر دوره قاجار شد، افزایش ناگهانی تقاضای اروپاییان برای فرش ایران بود. بر اساس گزارشها و مستندات موجود، برای ولین بار در سال ۱۸۷۳م/ ۱۲۹۰ق. با ایجاد نمایشگاه وین، فرش‌هایی از خراسان، فراهان، سنندج و دیگر شهرهای ایران در این نمایشگاه به نمایش گذاشته شد که از عوامل تأثیرگذار در شناسایی فرش ایران برای اروپاییان بود (یارشاطر، ۱۳۸۳: ۱۵). آشنایی تدریجی غربیها با فرش ایران و جذابیت و مطلوبیت این کالا، همزمان با افزایش قدرت خرید طبقه متوسط در اروپا و آمریکا بود که تأثیر بسزایی در افزایش تقاضای آنها برای قالی ایران داشت؛ چنانکه بنسب به گفته کرزن، کمتر خانواده‌های از طبقات بالای انگلستان یا آمریکا پیدا می‌شد که در آرزوی به دست آوردن چنین کالایی (فرش ایرانی) نبوده باشد (کرزن، ۱۳۸۷: ۶۲۳/۲) با افزایش ناگهانی تقاضای غربیها برای فرش ایران، ابتدا تجار تبریز به تجارت و صادرات این کالا روی آوردند و مدیریت این کار را برعهده گرفتند. در آن روزگار، تبریز از امنیت و موقعیت اقتصادی و تجاری خوبی برخوردار بود. بخش اعظم تجارت ایران با روسیه تزاری و کشورهای غربی (از راه طرابوزان و استانبول)، در تبریز متمرکز بود (اوبن، ۱۳۹۱: ۷۰). تجار تبریز علاوه بر آنکه در داخل ایران مشغول تجارت بودند و تجارت خارجی کشور در دست آنها بود، در شهر استانبول نیز فعالیت تجاری داشتند و کار اصلیشان واردات اجناس و کالاهای کشورهای اروپایی به داخل کشور و صادرات تولیدات ایرانی به بازار استانبول و سپس اروپا بود (ادواردز، ۱۳۶۸: ۶۳-۶۷). همچنین این بازرگانان در شهرهای مهم ایران نمایندگان و عاملانی داشتند که اغلب قالیهای قدیمی، نظیر فرشهای مناطق سلطانباباد، کردستان، آذربایجان، خراسان و غیره را که کهنه و به

اصطلاح پاخورده بود، از خانه و بازارهای شهرهای مهم ایران جمع‌آوری می‌کردند و به تبریز می‌فرستادند. در تبریز تجار این فرشها را طبقه‌بندی می‌کردند و از راه طرابوزان به استانبول که در آن زمان به صورت بازار جهانی قالی درآمده بود، حمل می‌کردند (همان، ۶۶-۶۸). گفتنی است کشورهای اروپایی قالی‌های کهنه را با بهای بیشتری خریداری می‌کردند؛ به عبارت بهتر، نزد آنان قالی کهنه مرغوبتر از قالی نو بود.

نخستین گام برای سرمایه‌گذاری‌های خارجی در صنعت فرش ایران در دهه‌های پایانی برداشته شد (یارشاطر، ۱۳۸۳: ۱). دوره قاجار (۱۲۸۳/م ۱۳۰۰ق)، توسط مؤسسه بازرگانی (زیگلر، ۹۸-۹۹) این شرکت سوئیسی الاصل با حمایت دولت انگلیس، اقدامات خود را در آغاز محدود به تجارت و خرید فرش ناحیه سلطانآباد کرد، اما پس از مدتی با ایجاد دفاتر تجاری، رنگرزانخانه و انبار کالا، خود دست‌اندرکار تولید فرش شد و در آن ناحیه به ایجاد کارگاه‌های قالبی اقدام کرد (سازمان اسناد ملی ایران، سندش ۲۴۰/۱۵۵۳۷). با گسترش فعالیتهای زیگلر، صنعت فرش در ناحیه سلطان آباد و روستاهای اطراف آن از رشد قابل توجهی برخوردار شد. البته عملیات زیگلر محدود به سلطان آباد نبود، بلکه شرکت شعباتی در برخی از واحی دیگر ایران ایجاد کرده بود. همزمان با شرکت زیگلر، به تدریج شرکتها و کمپانیهای غربی دیگر علاقه‌مند به سرمایه‌گذاری در صنعت فرش ایران شدند. یکی از این کمپانی‌ها شرکت هلندی‌الاصل «هاتس» بود که از دهه ۱۲۸۰/م ۱۲۹۷ق. با حمایت دولت بریتانیا به سرمایه‌گذاری در ۱ و پسران «صنعت فرش ایران روی آورد و با ایجاد شعبه‌هایی در بعضی از نواحی ایران از جمله ناحیه سلطانآباد، به کار نظارت در تولید، ایجاد کارگاههای بزرگ فرش‌بافی و جمع‌آوری و صدور قالی پرداخت (اشرف، ۱۳۵۹: ۵۵). این شرکت دارای شعبه‌هایی در مناطق سلطانآباد و همدان بود. «شرکت تولید قالی شرق» یا کمپانی «ازمیر» نیز در سال ۱۹۰۶/م ۱۳۲۵ق. با حمایت انگلیسی‌ها به سرمایه‌گذاری در قالی ایران، به‌ویژه در بخش خرید و صدور آن، در نواحی مختلف کشور اقدام کرد (مرکز اسناد وزارت امور خارجه، سندش ۱۳۲۹/۱۱/۳۹/۱۵ق). پس از مدتی تجار ایتالیایی نیز به سرمایه‌گذاری در صنعت فرش ایران روی آوردند. از مهم‌ترین

آن‌ها بود که با حمایت دولت انگلیس، در ابتدا به کار تجارت ۲ کمپانی «نیرکو کاستلی و برادران» قالی در سلطان آباد پرداخت و بعدها عملیات خود را توسعه داد و با ایجاد شعبه‌هایی در دیگر شهرها به‌ویژه کاشان و کرمان، به کار تولید و تجارت این کالا مبادرت کرد (همان، سند). ق. ۱۳۳۳/۵/۲۷ ش سند، همان ق. ۱۳۲۷/۱۴/۵۴ ش علاوه بر شرکتهای تحت حمایت بریتانیا، کمپانی‌ها و شرکتهای آمریکایی نیز در اوایل قرن بیستم میلادی / چهارده قمری، جذب و علاقه‌مند به سرمایه‌گذاری و فعالیت در صنعت فرش ایران شدند. از جمله این شرکت‌ها باید از کمپانی قالی شرق (همان، سندش ۱۳۰۳/۵۷/۱۶/۱ ش) و شرکتهای «قره‌گزیان»، «قازان» (همان، سندش ۱۳۰۲/۵۷/۲۹/۱ ش)، «تاوشانچیان 4» (مرکز اسناد وزارت) سازمان اسناد ملی ایران، سندش ۲۹۳/۳۹۹۸)، «تیریاکیان» (همان، سندش ۱۹/۲۶/۶ امور خارجه، سندش ۱۳۳۰/۵۴/۳۷/۳۴ ق) و «فریتس و لارو ۱۳۳۳/۵۴ ق). نام برد که به فعالیت در تولید و تجارت فرش ایران پرداختند. اطلاعات ما درباره گستره فعالیت شرکتهای نامبرده بسیار محدود است، اما نکته مسلم آن است که این شرکتها در اراک، همدان، کرمان، کاشان، مشهد و محلات شعبه داشتند و ضمن اشتغال به خرید و صادرات فرش به اروپا و ایالات متحده آمریکا، در بخش تولید فرش نیز فعالیت گستردهای داشتند (همان، سندش ۱۳۳۹/۲۶/۹/۸۳ ق؛ همان، سندش ۱۳/۳۵/۳۸/۵ ش). در این میان گستره عملیات و فعالیت کمپانی قالی شرق بیشتر از سایر شرکتهای آمریکایی بود. این شرکت علاوه بر فعالیت در کار تجارت فرش، از طریق عقد قرارداد با بافندگان محلی و راه‌اندازی کارگاههای قالیبافی و رنگرزی، در امر تولید نیز نظارت داشت. تجارتخانه مرکزی آن در سلطان‌آباد واقع بود و شرکت دارای شعبههایی در شهرهای کاشان، همدان، کرمان، یزد، اصفهان، مشهد، شیراز و تبریز بود (همان، سندش ۱۳۰۳/۵۷/۱۶/۵ ش).

در اواخر قرن نوزده میلادی / سیزده قمری، علاوه بر سرمایه‌گذاری شرکتهای تحت حمایت انگلیس و آمریکا در صنعت فرش ایران، آلمانی‌ها و روسها نیز به فعالیت در حوزه تولید و تجارت فرش ایران روی آوردند. فعالیت‌های تولیدی و تجاری تجار آلمانی و روسی در حوزه صنعت فرش ایران، به‌طور عمده در آذربایجان (تبریز)

متمرکز بود. سرمایه‌گذاری آلمانیها در این باره، عبارت از یک شرکت قالبیافی بود که با سرمایه سه میلیون فرانکی که بعدها به ده میلیون فرانک رسیده بود، در تبریز تأسیس شد. این شرکت نیز شعبه‌هایی در سلطانآباد، کرمان، شیراز و همدان داشت (مرکز اسناد وزارت امور خارجه، سندش ۱۳۳۸/۴۴/۷/۱۷ق؛ همان، سندش ۱۳۳۲/۴۴/۲/۱ق؛ عیسوی، ۱۳۶۲: ۵۶۰) و قالی به اروپا و ایالات متحده صادر می‌کرد. البته تجار آلمانی به جز فعالیت در بخش تولید و تجارت فرش، مورد نیاز صنعت فرش کشور و واردات آن از آلمان نیز نقش عمده‌ای داشتند؛ ۱ در تهیه «نیل» بهطوری که اسناد باقیمانده از اواخر دوره قاجار نیز بیانگر فعالیت تجار آلمانی در این بخش است (سازمان اسناد ملی ایران، سندش ۲۴۰/۱۴۹۴). سرمایه‌گذاری روسها در صنعت فرش ایران نیز عبارت بود از احداث یک کارگاه فرشبافی بزرگ در تبریز که در آن ۱۵۰۰ بافنده مشغول به کار بودند و حدوداً صد قالی در هر نوبت بافته می‌شد. گردش کار سالانه این کارگاه پانصد هزار روبل برآورد می‌شد (فلور، ۱۳۹۳: ۴۱؛ عیسوی، ۱۳۶۲: ۱۹). گفتنی است تجار روس به جز آذربایجان، در صنعت فرش خراسان نیز فعالیت داشتند که ما اطلاعاتی از جزئیات گستره عملیات تولیدی و تجاری آنها نداریم.

بدین ترتیب، تقاضای روزافزون بازارهای جهانی نسبت به فرش ایران، سرمایه‌گذاری تجار و شرکتهای داخلی و خارجی در بخش صنعت فرش ایران را در پی داشت. آنها علاوه بر آنکه در بخش خرید و صادرات فرش ایران فعالیت داشتند، با توسعه عملیات خود و انجام قرارداد بافت با قالیبافان محلی و همچنین ایجاد کارگاههای بزرگ قالبیافی در شهرها و روستاهای ایران و به دست گرفتن مدیریت تولید فرش کشور، سهم بزرگی در احیا، رونق و گسترش صنعت فرش ایران و شهرت این کالا در بازارهای جهانی داشتند. اسناد و مستندات موجود نشان می‌دهد که در اواخر دوره قاجار، در سالهای قبل از جنگ جهانی اول (۱۹۱۴م ۱۳۳۲ ق)، حدود یازده نمایندگی تجاری - عمدتاً آمریکایی و انگلیسی - در منطقه سلطانآباد (مرکز اسناد وزارت امور خارجه، سندش ۱۳۳۹/۲۶/۹/۸۳ق) و نزدیک به ده نمایندگی در منطقه کرمان (همان، سندش ۱۳۰۵/ ۳۸/ ۳۵/ ۱۳ش) و همینطور در خراسان، آذربایجان، همدان و کاشان،

در تولید و به‌خصوص تجارت و صادرات فرش فعالیت داشتند. نتیجه آنکه فعالیت تجار و کمپانیهای خارجی (عمدتاً آمریکایی و انگلیسی) در بخش صنعت فرش ایران در اواخر قرن نوزده میلادی/ سیزده قمری و اوایل قرن بیستم میلادی/ چهارده قمری، تحولی اساسی در تولید به‌ویژه در تجارت و صادرات فرش ایران به وجود آورد؛ چنانکه برای نمونه، ارزش صادرات قالی از ایران به آمریکا، از ۸۱۱,۲۴۱ دلار در سال ۱۹۰۷م/ ۱۳۲۶ق، به ۷۳۸,۸۳۶,۱ دلار در سال ۱۹۱۳م/ ۱۳۳۱ق. رسیده بود (سازمان اسناد ملی ایران، سندش 240/17196).

۳۷۹

۳. نقش سوئیسی‌ها در تجارت فرش در ایران

شعبه‌ای از شرکت صادرات و واردات سوئیس پی‌اچ زیگلر^۱ و کمپانی^۲ در سال ۱۸۵۶ در منچستر تأسیس شد. در سال ۱۸۵۷ یوهان فیلیپ زیگلر^۳، یک شهروند سوئیس، سرپرست این آژانس بود. در دایرکتوری‌های تجاری معاصر مانچر، زیگلر به عنوان بازرگانان و نمایندگان تجاری ذکر شده است. بازارهای آنها به عنوان لوانت و روسیه ذکر شده است. افتتاح آژانس زیگلر در انگلیس مربوط به افزایش اهمیت امروزی بود. بازارهای خارج از کشور کالاهای تولیدی سوئیس، به ویژه منسوجات نمونه‌ای از محدوده جغرافیایی بازارهای منسوجات سوئیس در این زمان توسط Schweizerische Export Gesellschaft، کنسرسیومی از تولیدکنندگان و صادرکنندگان نساجی، ارائه شده است که در آمریکای شمالی و جنوبی و همچنین شمال شرقی معرفی شده‌اند. طیف گسترده‌ای از کالاهای قطعه سوئیس به طور خاص برای این بازارهای صادراتی تولید می‌شد. تجارت خارج از کشور با ترانزیت از طریق انگلیس که توسط نمایندگان سوئیسی مورد بازجویی قرار گرفت و یا توسط بازرگانان انگلیس مجدداً صادر شد. اهمیت این تجارت با پیمان تجاری آنگلو-سوئیس در سال ۱۸۵۵، که دسترسی سوئیس به بازارهای استعماری انگلیس را تسهیل می‌کرد، تأیید شد و بدون شک تشویق زیگلر از تأسیس آژانس منچستر در آن سال را تشویق کرد. این شرکت برای اولین بار آی لِف^۴



نقش بازرگانان
سوئیسی در تجارت
خارجی فرش ایران
در عصر قاجار

¹ Ph. Ziggler

² Company

³ Johann Philipp Ziegler

⁴ iLelf

را در ایران در سال ۱۸۶۷ تأسیس کرد هنگامی که زیگلر به عنوان انحلال دهنده دینر^۱، کمپانی هانهارت^۲، یکی دیگر از شرکت‌های سوئیس که تجارت کالاهای پنبه‌ای را بر عهده داشت، تأسیس کرد. و شرکت وی نمایندگی‌های دوم را در تبریز و رشت به عهده گرفت. در این زمان بود که آلپیگر، که وابسته به شام، آژانس تبریز هانهارت بود، ارتباط خود را با شرکت زیگلر آغاز کرد (زیگلر، ۱۹۹۲: ۲۵). اما تبریز نتوانست پذیرای خوبی از کمپانی‌های خارجی باشد و چند تبعه سوئیس نیز در این شهر خسارت دیدند.

۴. فعالیت شرکت زیگلر در تبریز و نحوه برخورد با سوئیس‌ها

جنگ‌های داخلی و محاصره تبریز در ایام استبداد صغیر موجب رواج ناامنی و گسترش هرج و مرج در آن شد. فقدان امنیت ضربه سهمگینی بر پیکره اقتصاد شهر وارد ساخت. در فضای آشوب زده تبریز بسیاری از شرکت‌های بزرگ داخلی و خارجی دچار خسارات فراوانی شدند. نمایندگی کمپانی انگلیسی - سوئیس زیگلر در تبریز که در این ایام پررونق‌ترین فعالیت‌های اقتصادی خود در ایران را تجربه می‌نمود، یکی از این آسیب دیدگان بود. بخش قابل توجهی از خسارات وارده بر کمپانی زیگلر در جریان چپاولگری‌های نیروهای حکومتی به سرکردگی رحیم خان چلبیانلو و شکرالله خان شجاع نظام مرنندی به بار آمد. اموال موجود در انبارها و نمایندگی‌های کمپانی‌های خارجی مستقر در تبریز و از آن جمله کمپانی زیگلر در جریان جنگ‌های داخلی تبریز توسط قوای دولتی به تاراج رفت. استقرار این انبارها و نمایندگی‌ها در بازار تبریز (مغازه‌های مجیدالملک) و قرار گرفتن بازار در سرحد محلات مشروطه خواه و دولتی بر میزان این چپاولگری افزود. بخش دیگری از این خسارات در راه‌های منتهی به تبریز، خصوصاً مسیر ارتباطی تبریز با عثمانی (تبریز - طرابوزان) و تبریز با روسیه (تبریز - جلفا) وارد شد. تحت تأثیر هرج و مرج و ناامنی حاکمبر ایالت آذربایجان دوران استبداد صغیر، بخش اعظمی از مرسولات پستی و اموال کاروان‌های تجاری در مسیرهای مذکور به یغما رفت. قسمت قابل توجهی از این مرسولات و اموال متعلق به کمپانی‌های خارجی و از آن جمله کمپانی زیگلر بود. این

^۱ Dinner

^۲ Hanhart & Company

یغماگری‌ها اعتراضات سفارت‌ها و کنسولگری‌های دولت‌های اروپایی همچون بریتانیا، آلمان و فرانسه را موجب شد. این دولت‌ها و در رأس آن بریتانیا در راستای استیفای حقوق از دست رفته کمپانی‌های متضرر خصوصاً کمپانی زیگلر نهایت تلاش و پیگیری خود را به کار بستند.

زیان‌های اقتصادی که بر کمپانی زیگلر در تبریز وارد شد را می‌توان به زیان‌های اقتصادی وارده در داخل شهر و زیان‌های اقتصادی وارده در راه‌های منتهی به شهر تقسیم نمود. بخش اعظمی از زیان‌های اقتصادی وارده بر زیگلر در داخل شهر تبریز، زمانی رخ داد که درگیری نیروهای مشروطه‌خواه و دولتی به حوالی بازار تبریز کشیده شد. خصوصاً اینکه بازار درست در میانه محلات مشروطه‌خواه و دولتی قرار داشت و به خاطر این موقعیت، گهگاه به خط مقدم جنگ‌های داخلی تبریز مبدل می‌شد. کشیده شدن زبانه‌های آتش درگیری به بازار، امنیت را از آن سلب کرد. بسیاری نیز مترصد چنین هرج و مرجی بودند تا از قبل تاراج و یغماگری، منافع مادی خود را تأمین نمایند. کروی در این باره می‌نویسد: «تبریز یک شهر بازرگانی است و بازارهای بسیار و سراهای بزرگ پر از کالاهای بازرگانی می‌داشت، و این بود سواران و سربازان همیشه در آرزوی دست یافتن به آنجا و تاراج کردن می‌بودند، و هر زمان که فرصت می‌یافتند خود را به آنجا می‌رسانیدند.» (کسروی، ۷۱)

ویجویه ای تبدیل نزاع مشروطیت و استبداد به تاراج بازار تبریز را این چنین توصیف می‌کند:

"اکثر سواره‌ها که به تاراج داخل بازار می‌شوند، مجاهدین تیراندازی و سواره‌ها مقابله به مثل می‌نمایند. از صدای تفنگ و واهمه گلوله به بازار داخل شدن امکان ندارد؛ و بسیاری از سواره‌ها در بازار به قتل می‌رسند و سنگ‌های مخصوص در بازار بسته شده. اگر محکم سنگ‌بندی شود بازار محفوظ خواهد شد. کسبه مال‌ها را از بازار خارج می‌نمایند." (ویجویه‌ای، ۱۳۹۴: ۶۷)

تاراج کمپانی‌های خارجی هدف سرکردگان قوای دولتی نبود و این عمل به صورت ناگهانی و از سوی نیروهای مسلحی صورت گرفت که پیشتر دستی در یغماگری داشتند. دلیل اصلی این گفته، آسیب دیدن مغازه‌های حاجی علیقلی بیگ

نوروزاف، تبعه دولت روسیه، اصلی‌ترین دولت خارجی مخالف مشروطه است. عملی که به هیچ وجه نمی‌تواند از سوی قوای دولتی تجویز شده باشد. این حادثه به قدری برای دولت روسیه غیرقابل تحمل بود که کنسول روس در تبریز در انتقاد از عملکرد اسلامیه نشینان دولتی، به مقایسه امنیت بازار تبریز در زمان تسلط مشروطه خواهان متهم به بابی‌گری و دولتیان مدعی مسلمانی پرداخت و امنیت حاکم در دوره مشروطه خواهان را ستود. ثقه الاسلام تبریزی سخنان کنسول روس در تبریز را چنین بازگو می‌کند: «مغازه‌های ایالتی که در دست بایبه بود یک سوزن از مال رعیت داخل و خارج تلف نشد تا به دست اسلامیه افتاد اموال به غارت رفت و مغازه‌ها عالیها سافلها شد». (تبریزی، ۱۳۸۹: ۱۴۵)

"میزان غارت از مجیدالملک به بیش از یک کرور (پانصد هزار تومان) می‌رسید" (ویجویه ای، ۱۳۹۴: ۶۸) برخی از دولتیان اموال غارتی را در محلات دولتی ششگلان، باغمیشه و سرخاب به یک دهم قیمت اصلی می‌فروختند. (جورایچی، ۱۳۸۶: ۴۹) این امر می‌تواند دو دلیل داشته باشد. نخست اینکه میزان کالاهای غارت شده بسیار زیاد بوده است. دوم اینکه یغماگران اغلب از نیروهای غیربومی قراداغ و مرند بودند و امکان نگهداری امتعه در تبریز و یا انتقال آن به موطن برایشان میسر نبود. خسارت‌های وارده بر شرکت‌های سوئسی و خارجی ساکن در مغازه‌های مجیدالملک از سوی دولت‌های خارجی پیگیری شد. در این بین سفارت بریتانیا در تهران در حمایت از کمپانی زیگلر شکایت خود را به وزارت خارجه ایران ارسال داشت. در این شکایت از به تاراج رفتن بخشی از اموال کمپانی زیگلر که در نزد دلال محلی این کمپانی موسوم به مشه‌دیزین العابدین در محل مغازه‌های مجیدالملک نگهداری می‌شد، سخن به میان آمد. بر این اساس دولت بریتانیا شجاع نظام و رحیم خان را عامل اصلی این یغماگری دانست و بر جبران زیان‌های وارده تاکید نمود. پیگیری‌های دولت ایران از سه کانال وزارت خارجه، وزارت داخله و حکومت آذربایجان تداوم یافت و در این خصوص دستوری مبنی بر تحقیق از مشه‌دی زین العابدین دلال محلی زیگلر در تبریز صادر نمود. در دستور مذکور بار دیگر سیاهه خسارت مورد ادعای سفارت بریتانیا به ارزش ۱۶۸۳ تومان و ۵ قران تکرار گشت.

با به اثبات رسیدن ادعای دولت بریتانیا مبنی بر خسارت زیگلر در حادثه مغازه‌های مجیدالملک، وزارت خارجه و داخله ایران، حکومت آذربایجان را مأمور احقاق حقوق زیگلر از عاملان اصلی شجاع نظام و رحیم خان کرد. حکومت آذربایجان نیز طی گزارش‌هایی اعلام داشت که شجاع نظام مرندی مرده است و جانشین و وارث او شجاع نظام دوم سخت بیمار است از این رو استرداد خسارت از وی تا بهبودی به تعویق خواهد افتاد. با این احوال اردویی برای گوشمالی رحیم خان و بازپس‌گیری حقوق مربوط به زیگلر از او اعزام شد.

۳۸۳

بخش دیگری از زبان‌های اقتصادی وارده بر زیگلر در تبریز در اثر ناامنی راه‌های منتهی به شهر در ایام مشروطیت صورت پذیرفت. ناامن بودن راه‌ها و راهزنی قافله‌های تجارتي در ایالت آذربایجان مسبوق به سابقه بوده است. راهزنی از کاروان‌های تجارتي خارجی در آذربایجان عهد ناصری به یک بحران و مسئله عمده برای دولت قاجار بدل شده بود. این مسئله و سایر مسائل سرحدی باعث شد که ناصرالدین شاه قاجار در ۱۳۱۲ق. / ۱۸۹۵م. کارگزاری خارجه آذربایجان را به عنوان شعبه‌ای از وزارت خارجه برای رسیدگی به این‌مور تأسیس نماید. (افشار، ۱۳۸۰: ۲۹۷) نکته جالب توجه اینکه "یکی از نخستین مأموریت‌های این کارگزاری احقاق حق کمپانی زیگلر در خصوص سرقت بخشی از مال التجاره این کمپانی در سال ۱۳۱۰ق. / ۱۸۹۳م. در مسیر تجاری تبریز - طرابوزان در حوالی خوی بود." (افشار، ۱۳۸۰: ۳۱۱)

با این احوال جنگ‌های داخلی آذربایجان بر فقدان امنیت در این ایالت سرحدی ایران عهد قاجار افزود و موجب ناامن‌تر گشتن مسیرهای تجاری آن برای کاروان‌های داخلی و خارجی و از آن جمله کمپانی زیگلر شد. اغلب حوادث مربوط به غارت اموال زیگلر در راه‌ها، در دو مسیر طرابوزان - تبریز و جلفا - تبریز اتفاق افتاد و به نوعی نیروهای شجاع نظام و یا رحیمخان در آن دخیل بودند.

در نامه‌ای به تاریخ ۲۷ رجب ۱۳۲۷ق. / ۱۳ آگوست ۱۹۰۹م. که از سوی وزارتخارجه به کارگزار خارجه آذربایجان ارسال شده، ادعای سفارت آلمان در تهران



مبتنی بر دزدیده شدن ۹ طغرا پاکت حاوی ۴۲۴ مارک پول مربوط به عامل شرکت زیگلر در تبریز مطرح گشته است. (مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه) چند ماه بعد در ۷ شوال ۱۳۲۷ق. / ۲۲ اکتبر ۱۹۰۹م. وزیر مختار آلمان در تهران از سرقت یک صندوق حاوی اسباب علاقه بندی در راه طرابوزان- تبریز خبر می‌دهد. این محموله که ۴۵۶ مارک و ۱۵ فینک ارزش داشت از سوی شرکت گرنر و رتسر به شرکت زیگلر در تبریز ارسال می‌شد. (مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه) در ۲۴ محرم ۱۳۲۸ق. / ۴ فوریه ۱۹۱۰م. وزارت داخله طی نامه‌ای به حکومت ایالت آذربایجان از شکایت سفارت بریتانیا در تهران در خصوص دزدیده شدن یک صندوق مخمل به ارزش ۵۳ لیره و ۷ شلینگ خبر می‌دهد. در عهد استبداد صغیر بسیاری از کمپانی‌ها و تجار خارجی از نا امنی موجود در شهر تبریز و راه‌های منتهی به آن متضرر شدند. که به طور مشخص غیر از کمپانی زیگلر از دو تجار تبعه سوئیس یعنی گریاکی و گوسلانر اشاره کرد. (مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه) که از نا آرامی‌ها در تبریز خسارت دیدند. و چون سوئیس سفارتی در ایران نداشت باید به سفارت‌های آلمان و فرانسه و انگلیس برای احقاق حقوقشان مراجعه می‌کردند. بسیاری از سفارت‌های اروپایی در تهران چون سفارت بریتانیا، آلمان و فرانسه پیگیر دریافت غرامت کمپانی‌ها و تجار و از آن جمله کمپانی زیگلر بودند. فشارهای وارده بر وزارت خارجه از سوی این سفارت خانه‌ها به قدری بود که این وزارت طی نامه‌های متعددی کارگزاری وزارت خارجه در آذربایجان، وزارت داخله و وزارت پست و تلگراف را در خصوص ارائه گزارش درباره چند و چون وقایع و ایجاد زمینه پرداخت غرامت به متضرران خارجی مأمور نمود ولی بحران در حاکمیت دولت مرکزی و ناامنی فراگیر در سراسر منجر به بی نتیجه ماندن پیگیری‌های مذکور گردید. این مسئله ریشه اصلی توقف فعالیت‌های شرکت زیگلر در تبریز و گسترش فعالیت آن در سلطان آباد بود که به خاطر نزدیکی به تهران و شاهراه ارتباطی ایران به بغداد از موقعیت استراتژیک و امنیت نسبی بهتری برخوردار بود.

در نهایت با ورود نیروهای نظامی روسیه به تبریز و برقراری امنیت در شهر، شرایط برای پیگیری شکایات شرکت زیگلر از طریق وزارت خارجه فراهم شد، اما با

ضعف فزاینده قدرت دولت مرکزی ایران و ناامنی ادامه دار در گوشه و کنار کشور، این اعتراضات راه به جایی نبرد.

جدول ۱. سیاهه خسارات مادی وارده بر زیگler تبریز در داخل تبریز

ردیف	نوع کالا	مقدار	ارزش نقدی
۱	نخ پنبه	۸ صندوق	۱۴۰۰ تومان
۲	شمع	۵۰ صندوق	۲۶۲ تومان و ۵ قران
۳	پول نقد	۲۱ تومان	۲۱ تومان
جمع کل		۱۶۸۳ تومان و ۵ قران	

۳۸۵

جدول ۲. تقویم مکاتبات در خصوص غرامت کمپانی زیگler تبریز

تاریخ	رویداد
۲۹ جمادی الثانی ۱۳۲۶ ق. / ۲۸ ژوئیه ۱۹۰۸ م.	غارت نمایندگی زیگler در تبریز
۳ شعبان ۱۳۲۷ ق. / ۱۹ اگوست ۱۹۰۹ م.	شکایت سفارت بریتانیا از وزارت خارجه ایران و طلب غرامت
۴ شعبان ۱۳۲۷ ق. / ۲۰ اگوست ۱۹۰۹ م.	پیگیری وزارت امور خارجه ایران از وزارت داخله ایران و طلب خسارت از پسر شجاع نظام متوفی و رحیمخان
۹ شعبان ۱۳۲۷ ق. / ۲۵ اگوست ۱۹۰۹ م.	درخواست وزارت خارجه ایران از کارگزاری تبریز جهت تحقیق خسارت از دلال محلی زیگler در تبریز
۱۳ رمضان ۱۳۲۷ ق. / ۲۷ سپتامبر ۱۹۰۹ م.	درخواست وزارت امور خارجه ایران از وزارت داخله ایران در خصوص طلب نتیجه تحقیقات درباره خسارت زیگler از حکومت ایالت آذربایجان
۲۳ رمضان ۱۳۲۷ ق. / ۷ اکتبر ۱۹۰۹ م.	پاسخ حکومت ایالت آذربایجان به وزارت داخله مبنی بر مرگ شجاع نظام، بیماری فرزندش و احقاق حق بعد از بهبود، گسیل ارتش جهت گوشمالی رحیم خان و استرداد اموال غارتی زیگler
۸ شوال ۱۳۲۷ ق. / ۲۲ اکتبر ۱۹۰۹ م.	پیگیری مجدد وزارت داخله ایران از حکومت ایالت آذربایجان درباره نتیجه تحقیقات و اقدامات



نقش بازرگانان
سوئسی در تجارت
خارجی فرش ایران
در عصر قاجار

جدول ۳. سیاهه خسارات مادی وارده بر زیگler تبریز در راههای منتهی به تبریز

تاریخ گزارش	متهم	محل دزدی	ارزش کالا	نوع کالا	ردیف
۲۶ جمادی الثانی ۱۳۲۷ ق. / ۱۴ ژوئیه ۱۹۰۹ م.	سوارهای رحیم خان	نزدیکی روستای الوار (مسیر طرابوزان - تبریز)	----- - --	۱ صندوق مال قونپانیه زیگler	۱
۲۷ رجب ۱۳۲۷ ق. / ۱۳ اگوست ۱۹۰۹ م.	سوارهای شجاع نظام سوارهای رحیم خان	----- ---	۴۲۴ مارک	۹ طغرا ۲ پاکت‌های پستی	۲
۷ شوال ۱۳۲۷ ق. / ۲۲ اکتبر ۱۹۰۹ م.	- --		۴۵۶ مارک و ۱۵ فینک	صندوق حاوی اسباب علاقه بندی	۳
۲۵ ذیقعدہ ۱۳۲۷ ق. / ۷ دسامبر ۱۹۰۹ م.	-----	گلفرج جلفا (مسیر جلفا - تبریز)	قیمتی ندارد	۱ فقره امانت گمیانی زیگler به ۴ وزن ۱۰۶۰ مشقال	۴
۲۴ محرم ۱۳۲۸ ق. / ۴ فوریه ۱۹۱۰ م.	سوارهای رحیم خان	راه خوی - تبریز (مسیر طرابوزان - تبریز)	۵۳ لیبره و ۷ شلینگ	۱ صندوق مخمل	۵

۳۸۶

پوشش‌های
روابط بین الملل

فصلنامه
پژوهش‌های
روابط بین‌الملل،
دوره یازدهم،
شماره اول، شماره
پیاپی چهارم، بهار
۱۴۰۰

این شرکت متعاقباً آژانس‌هایی را در تهران، اصفهان، شیراز، بوشهر، یزد و کرمانشاه و همچنین در سلطان آباد افتتاح کرد. (زیگلر، ۱۹۹۲: ۱۰۵)

۵. نقل مکان سوئیسی‌ها به اراک

بعد از اتفاقاتی که در تبریز برای شرکت سوئیسی انگلیسی زیگلر رخ داد "این شرکت که فعالیت تجاری خود را در دهه ۱۲۷۰ق/۱۸۵۰م از تبریز و با واردات قماش منجستر و صادرات ابریشم گیلان آغاز کرد و در اواخر قرن نوزدهم به کار تجارت فرش و توسعه قالی بافی پرداخت" (اشرف، ۱۳۵۹: ۱۳). به دلیل ناامنی‌های تبریز به اراک تغییر مکان داد. ادواردز^۱ علت توجه شرکت زیگلر به تجارت فرش را پیشنهاد یکی از کارمندان آن به نام اسکار اشتراوس^۲ می‌داند. "این پیشنهاد این گونه بود که به جای تبدیل کردن پول‌های به دست آمده به امپریال (طلای روسی)، وجوه آن را صرف خرید قالی کنند". (ادواردز، ۱۹۰)

"این شرکت در سال ۱۲۹۹ق/۱۸۸۲م، سلطان آباد را با هدف رونق تجاری خود انتخاب کرده و شعبه‌ای در خیابان محسنی باز کرد و در سال ۱۳۰۷ق/۱۸۹۰م، با کمک میرزاتراب خان خزائی اراضی اطراف رودخانه را خرید و قلعه فرنگی را در چند هکتار بنا کرد". (دهگان، ۱۳۶۲: ۲۳۲) آلپیگر^۳، نماینده زیگلر، درباره انتخاب سلطان آباد برای تجارت قالی و نقش آن در رفاه مردم آن ولایت می‌نویسد: "در هیچ یک از شهرهای ایران چنین رویدادی (قالی بافی) را نمی‌بینم، نه در شهرهای ثروتمند و نه در شهرهای کارکن و مرفه. مردم با راحتی تمام می‌پوشند و می‌خورند و زندگی می‌کنند و بسیار راضی و خوشحال به نظر می‌رسند؛ همه آنها از راه قالی بافی کارکن و مرفه. مردم با راحتی تمام می‌پوشند و می‌خورند و زندگی می‌کنند و بسیار راضی و خوشحال به نظر می‌رسند؛ همه آنها از راه قالی بافی زندگی می‌کنند و تأثیرات خوب (این کار در تمام ناحیه مشهود است. در سال‌های زندگی‌ام در ایران، مهم‌ترین شهرهای آن را دیدم؛ ولی جایی را ندیدم که مثل سلطان آباد این قدر مرا بگیرد" (عیسوی، ۱۳۶۲: ۴۷۲)

¹ Edwards

² Oscar Straus

³ Alpiger

برای صاحبان شرکت زیگلر فعالیت مستمر، رشد تجاری و برآوردن انتظارات بازارهای خارجی بسیار مهم بود. آن‌ها در این راستا، اسکار اشتراوس^۱ آلمانی را در جایگاه نخستین مدیر عامل شرکت خود در سلطان آباد تعیین کردند و او به مدت ۲۲ سال ریاست این تجارتخانه را برعهده داشت و چون مردی کاردان و فعال بود، دایره این تجارتخانه را وسعت داد؛ همچنین در خلال جنگ جهانی اول، مقام ویس قنسولی را نیز بر عهده گرفت. (طبابایی تبریزی، ۱۳۹۵: ۸۴) این تأسیسات حدود ۴۰ هزار یارد مربع (معادل ۳۶ هزار متر مربع) با هزینه ۶ هزار لیره ساخته شد که دارای صباغ خانه بود و به علت وسعت بسیار، در بین مردم به قلعه زیگلر (فرنگی) معروف شد (عیسوی، ۱۳۶۲: ۴۷۲). "این شرکت نظارت بر ۲۵۰۰ دار قالی در سلطان آباد و دهات اطراف، به خصوص ساروق و جیریا را به عهده داشت و تهیه نقشه و رنگ آمیزی و خامه در محل تجارتخانه انجام می‌شد و زنان براساس قراردادهایی بافت قالی را | در منازل انجام می‌دادند". (اشرف، ۵۵) پس از کناره‌گیری اشتراوس، "ابتدا هودسن^۲ سپس جکسن^۳ و بالاخره هوتن^۴ به ریاست شرکت انتخاب شدند؛ اما هیچ کدام موفقیت او را نداشتند تا اینکه یکی از سهام داران بزرگ به نام مایر^۵ انتخاب شد. مایر با تأیید دولت انگلیس به طور رسمی سمت ویس قنسولی^۶ آن دولت را در سلطان آباد عهده دار شد" (دهگان، ۱۳۶۲: ۲۳۲)

"شرکت زیگلر در مدت کوتاهی تعداد دارهای قالی را که در ابتدای ورودشان چهل دستگاه بود، به هزار و دویست دستگاه در شهر سلطان آباد رساند؛ همچنین در روستاها هزار و پانصد دستگاه دار تأسیس کرد که در مجموع، نزدیک به سه هزار دستگاه بافندگی در ولایت عراق ایجاد شد که ارزش سالانه تولیدات آنها در حدود پنج میلیون قران بود" (عیسوی، ۱۳۶۲: ۶۷۶).

^۱ OscarStrauss

^۲ Hudson

^۳ Jackson

^۴ Hutten

^۵ Mayer

^۶ Weiss Consular

۶. سیاست تجاری زیگلر

در ایران، زیگلر در ابتدا بیشترین اهمیت را به واردات چاپ پنبه‌ای اروپایی (تصویر ۱)

Annette Ittig

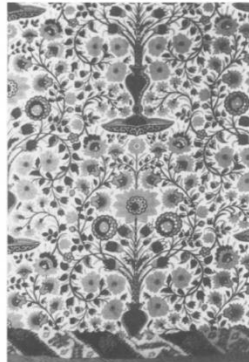


Figure 4. Detail of European printed cotton, here used as a coat lining. Private collection. Photograph: A. Ittig.

تصویر ۱- نمونه چاپ پنبه‌ای اروپایی

داشت که به دلیل تنوع بیشتر و قیمت پایین‌تر، با پنبه‌های دستبافت محلی (تصویر ۲) بسیار رقابتی بودند.

Ziegler's Sultanabad Carpet Enterprise



تصویر ۲- نمونه قالی با پنبه دستبافت محلی

تا اواخر دهه ۱۸۷۰، کالاهای پنبه‌ای زیگلر از طریق تیبیزوند^۱ به قفقاز از طریق ایران وارد می‌شد. محله‌های باله در تبریز نقطه توزیع آنها برای فضای داخلی کشور بود. به طور کلی کالاها با اعتباری به بازرگانان محلی فروخته می‌شدند که به نوبه خود آنها را به شرکای سراسر کشور ارسال می‌کردند. «در طول دهه ۱۸۷۰، فروش محصولات پنبه زیگلر از طریق نمونه و همچنین انواع فرآورده‌های محلی بویژه ابریشم و تریاک ارسال شد.» سیلان ابریشم منبع مهمی از درآمد برای استان‌های خزر بود که مرکز اصلی پرورش آن بودند. شیوع کبر از بیماری ابریشم در گیلان در دهه ۱۸۶۰ برای استان و همچنین برای بسیاری از خارجی‌ها فاجعه بار بود. شرکت‌هایی مانند دینر هانهارت^۲ که برای صادرات در کشاورزی محلی سرمایه گذاری کرده بودند خسارت دیدند، با این حال تجربه زیگلر در رشت کاملاً متفاوت بود.

بین سالهای ۱۸۵۰ و ۱۸۶۰، صادرات کالاهای تولیدی سوئیس بیش از دو برابر افزایش یافته است (ویتزمنت، ۱۹۶۶): عواملی که به رشد صنایع صادراتی سوئیس، از جمله تثبیت سیاست داخلی در پی تصویب قانون اساسی جدید در سال ۱۸۴۸ و مکانیزه سازی تولید نساجی کمک کرده‌اند، در رشد اقتصادی سوئیس تأثیر فراوان داشته‌اند.

در ابتدا دخالت زیگلر در تجارت فرش ایران محدود به خرید و درخواست فرش‌های جدید و "استفاده شده" موجود در بازار محلی شد؛ یادداشت‌های بی شماری در دفتر خاطرات آلپیگر^۳ وجود دارد که مربوط به فرش‌های خریداری شده توسط وی از سوی نمایندگان محلی است که در انواع خاصی از کالاها تخصص دارند. چندین مدرک شواهدی وجود دارد که نشان می‌دهد بیش از یک خط فرش در یک محل واحد تولید شده است قیمت این خطوط که توسط آلپیگر هم در هر متر مربع و هم برای مربع آرشین^۴ ۳۹ ثبت شده است "همچنین، آلپیگر نرخ‌های پرداخت شده به بافندگان را ثبت کرد. مشاهدات دقیق وی در مورد فرش محلی نشان می‌دهد که یکی از کارهای آلپیگر این بود که در مورد چگونگی سرمایه گذاری زیگلر با سودآوری بیشتر در تولید داخلی تحقیق کنید. در واقع، در مورد سفارشات مشخصی که توسط آلپیگر برای فرش‌هایی با

^۱ Trebizond

^۲ Dinner Hanhart

^۳ Alpiger

^۴ arshin

کارخانجات تولیدی در خراسان نیز گذاشته شده است، خاطرات آلپیگر شواهدی مبنی بر وجود تولید گسترده و فرش سازمان یافته فرش منطقه‌ای قبل از رونق هم برای تولید داخلی و هم برای صادرات فراهم می‌کند. علاوه بر این، این گزارشها در اوایل قرن نوزدهم در مورد صنایع محلی متمایز در سایر نقاط کشور مکمل است. «همانطور که خواهیم دید، این صنعت بومی ایران بود که زیگلر سعی کرد تولید صادرات خود را در سلطان آباد پایه گذاری کند. علاوه بر این، بافندگی با تأمین مالی محلی، که مشکلات اقتصادی مملکت را تحت فشار قرار داده بود، چه در زمان رونق و چه بعد از رونق. شرط تأمین مواد مطمئن فرش‌های مناسب برای پاسخگویی به مطالبات روزافزون خرده فروشان است، در کنار مسائل اقتصادی ایتیگ هنر شرقی را نیز در جذب کمپانی‌های خارجی مهم می‌داند می‌نویسد: "... هنر شرقی برای ما ارزشمند است تقارن، جذابیت بی‌نظمی را به ما نشان می‌دهد، و به ما می‌آموزد که چگونه دو طرف یک چیز را به طور یکسان در حالی که آنها را کاملاً متفاوت نگه می‌داریم، می‌سازیم. (زیگلر، ۱۹۹۲: ۱۰۵)

۷. نقش شرکت زیگلر در رشد اقتصادی سلطان آباد اراک

همان طور که گفته شد در سال ۱۸۸۳ شرکت انگلیسی سوئسی الاصل به نام زیگلر و شرکا از منچستر دفتری در این شهر گشودند. این دفتر از منچستر کالاهایی وارد ایران می‌کرد، مدتی بعد یکی از کارمندان شرکت زیگلر که یک آلمانی به نام اسکاراستراوس بود پیشنهاد کرد که به جای اینکه شرکت وجوه حاصل از فروش کالاها را صرف خرید سکه‌های طلا کرده و سپس آنها را از طریق روسیه از ایران خارج سازد قالی خریداری کند که بتواند در لندن آنها را به راحتی و مستقیماً به پول تبدیل کند از این رو اشتراوس که مردی کارآمد و جسور بود، به سلطان آباد مراجعه کرده و نسبت به دایرکردن رنگرخانه، استخدام طراحان و ایجاد انبار کالا اقدام کرد. دیری نپایید که حدود ۲۵۰۰ دستگاه قالی‌بافی تحت نظارت زیگلر قرار گرفت و در کنار این شرکت شرکت‌های بی‌شمار دیگری نیز از اروپا و آمریکا در این منطقه به راه افتاد.

در سال ۱۲۶۶ ه.ش شرکت زیگلر راساً اقدام به گشودن دفتری در این شهر می‌کند که به زودی محوطه عظیمی را در سلطان آباد به محل کار و استقرار کارمندان، رنگرخانه و انبار کالا اختصاص داد. بر اساس گفته‌های سیسیل ادواردز کارمندان شرکت زیگلر برای

اولین بار کلاف‌های رنگ شده و آماده در اختیار بافندگان قرار دادند. به دنبال شرکت زیگلر کارخانه‌های فراوانی در اراک شروع به فعالیت کردند از آن جمله می‌توان به شرکت‌های زیر اشاره کرد: تاوسهندچیان نیویورک، کمپانی شرق (ازمیری)، کمپانی غازان، تلفنیان، قراگوزیان، سلیم شاهنیان، قاراپت شاهنیان، خیاطان، سوچکیان، هواسائیان، پاپازیان، لوان داوودیان، مه‌رتاتیان، وازاپتسیان، آساطوریان، برادران سامره‌ای، قصابیان، چگنیان، قونطاطیان، طافشانچیان.

محل فعالیتشان بازار بود و اکثراً برای امریکا خرید داشتند، غالب آن‌ها دفتر داشتند و برای خود رنگرز و بافنده داشتند و برای خود فرش‌هایی با رنگ‌ها و بافت‌های مورد نظر خود سفارش می‌دادند. وضعیت تا جنگ جهانی به همین روال بود تا اینکه مشتریان جدیدی از بازارهای امریکا به سراغ فرش اراک آمدند و فرش اراک را زیر نفوذ خود گرفتند. تا سال‌های اواخر قرن شمس‌ی گذشته وضعیت به همین منوال بود که به علت بحران اقتصادی امریکا شرکت‌های امریکائی ورشکست خوردند و مجبور به ترک ایران شدند و تجار ایرانی سهم بیشتری در تجارت این کالا به عهده گرفتند. در سال ۱۳۱۴ ه.ش عملاً با نوعی ملی شدن صنعت فرش تولید این کالا تقریباً در اختیار تجار ایرانی و شرکت فرش ایران قرار گرفت. از آنجا که زیگلر یک شرکت خصوصی بود نه یک شرکت دولتی، هیچ اطلاعاتی در مورد فعالیت این شرکت در سوابق خانه هیئت مدیره شرکت تجارت وجود ندارد. به جای سوابق شرکت، بیشتر مستندات براساس یک مجموعه خصوصی از فرش و مواد بایگانی گردآوری شده توسط امیل آلپیگر (۱۸۴۱-۱۹۰۵) (تصویر ۳-۱۱)، اولین مدیر آژانس زیگلر سلطان آباد، در زمان اقامت وی است. (زیگلر، ۱۹۹۲: ۱۰۵) که در ایران بین سال‌های ۱۸۵۹ و ۱۸۹۶ خدمت کرده است. از جمله این مجموعه خاطرات تجاری است که به عنوان وادنسن آلپیگر^۱ در خدمت کمپانی بوده است. این دفترچه در مورد اطلاعات کلی اقتصاد ایران نیز ارزشمند است.

۸. اعتراض مردم به شرکت زیگلر و واکنش ناصرالدین شاه

به دنبال جنگ‌های ایران و روس منطقه زرخیز قفقاز از ایران جدا شده بود و مردمان آن سامان صدمات زیادی تحمل کرده بودند. با تسلط روس‌ها، ناامنی اندک اندک فزونی

^۱ Vadenecwn Alpiger

گرفت. سرمایه داران قفقاز بخش عمده‌ای از ثروت خود را به محل امنی انتقال دادند. آنان ثروت خود را به صورت امپریال روسی و سماورهای طلا و عتیقه‌جات گرانبها از روسیه خارج می‌کردند و به کشور همسایه خود، ایران، می‌فرستادند. شرکت زیگلر از محل فروش محصولات انگلیسی، سرمایه‌های نقدی بازار ایران را پارو می‌کرد و به صورت امپریال طلا به لندن می‌فرستاد. چون ارسال امپریال (سکه‌های طلای روسی) به مشکل خورد و مکرر کاروان‌های طلا در خاک عثمانی به غارت رفت، کمپانی زیگلر تصمیم گرفت از محل فروش کالاهای وارداتی خود شرکت تولیدی فرش زیگلر و شرکاء را تأسیس کند. این کمپانی در سال ۱۲۶۱ خورشیدی در سلطان‌آباد عراق (اراک) در محله قلعه، کوچه میرزا شفیع (خیابان محسنی فعلی) آغاز به کار کرد.

تولید و صادرات فرش‌های ارزان قیمت سلطان‌آباد به آمریکا، عواید هنگفتی عاید شرکت کرد. تمام سرمایه‌های نقدی از آمریکا به لندن سرازیر شد و لندن نیز بخشی از آن را صرف خرید کالای انگلیسی باب ایران کرد. تولیدات فرش کمپانی چنان بالا گرفت که در سال ۱۲۶۷ خورشیدی بیش از ۲۵۰۰ دستگاه دار قالی متعلق به شرکت زیگلر در سلطان‌آباد فعال بود. تولیدات آن فقط قالی‌های متن دوغی با نقشه‌های دسته گلی (کومه‌ای) بود که به نام نقشه امریکایی معروف و در انحصار کمپانی زیگلر قرار داشت. کمپانی زیگلر در سال ۱۲۶۹ خورشیدی توسط «ابوتراب خزاعی» مبادرت به خرید بیست هکتار زمین مرغوب در حاشیه شهر، کنار رودخانه شهراب کرد. اسکار اشتراوس مدیر شرکت، پارکی در آن زمین بنا نهاد که از آن پس به نام قلعه فرنگی نامیده شد. ساختمان‌های اصلی در کمتر از دو سال ساخته شدند و از آن پس کلیه شعبات شرکت و تاسیسات وابسته آن، ادارات و دفاتر تولید و فروش شرکت اعم از دفتر مرکزی، اتاق‌های مدیران و کارکنان، مهمانسرا، رنگرزان، درشکه‌خانه و غیره از سطح شهر جمع‌آوری و در آن پارک قلعه متمرکز شدند. جهت ثبوت رنگ، پشم‌ها و خامه‌های رنگ شده شرکت را در آب روان و دارای املاح رودخانه شهراب که از کنار قلعه می‌گذشت، شست و شو می‌دادند. شرکت زیگلر علاوه بر تجارت، امور سیاسی سفارتخانه انگلیس را نیز عهده دار بود. کار کمپانی چنان بالا گرفت که با جسارت، منتهای ظلم و جور و زندان را در حق بافندگان خود روا می‌داشت. مدت‌ها انحصار و

تولید و صادرات فرش مرغوب با طرح و رنگ‌های اصیل در اختیار این کمپانی بود. انگلیسی‌ها با وارد کردن رنگ شیمیایی و تشویق دیگران به استفاده از آن، سعی داشتند امتیاز کالا و برتری فرش‌های بافت آن کمپانی را حفظ کنند. رنگ‌های شیمیایی علاوه بر سهولت در کاربری، ارزان قیمت بودند و فراگیر شدند. بافندگان شرکت که در چنبره بیگاری و ظلم انگلیسی‌ها گرفتار بودند، مخفیانه دستمایه خود را با طرح‌های زیگлер به قیمت بهتری به کمپانی‌های آلمانی می‌فروختند. کمپانی زیگлер که شاهد کسادی بازار خود و رونق بازار رقیب شده و کم و بیش متوجه حرکات بافندگان بود، عده‌ای از آنان را به بهانه فروش طرح شرکت در آرک دولتی زندانی کرد و با اعلامیه‌ای استفاده از رنگ شیمیایی را ممنوع اعلام کرد. تجار داخلی از این حرکت مدیران زیگлер عصبانی و در محوطه تلگرافخانه متحصن شدند. تجار اراک مرتب با دربار ارتباط داشتند. «حاج میرزا محمدرضا کاشانی» که تاجری معروف بود، با تقبل مخارج زندانیان و بست‌نشینان، صدای مردم را به گوش شاه رسانید. (زیگлер، ۱۸۹۰)

ناصرالدین‌شاه در تلگرافی اخطار کرد: «... چرا اینقدر خر هستید؟! کار به کار مردم نداشته باشید! مردم را به امر بی‌قاعده مجبور نکنید! اگر ظل‌السلطان هم دخالت کند، گوش ندهید! حکم همین است که شد! مردم را مطمئن کنید که از بست بیرون بروند و آسوده‌خاطر باشند! ۱۸ جمادی‌الثانی سال ۱۳۰۸ قمری - شاه» ناصرالدین‌شاه که در سال ۱۲۷۰ خورشیدی برای چهارمین بار به سلطان آباد عراق (اراک) آمده بود، وقتی به شکایت تجار عراقی و اعمال خلاف کمپانی‌های خارجی گوش داد، دزدانه به اطراف نگاه کرد، پنجه‌های هر دو دست را در هم چفت کرد و با لال بازی اشاره کرد: چنین باشید! (یعنی متحد باشید!) او حتی در خانه خود با رمز و اشاره رفتار کرد تا خارجی‌ها گمان نکنند شاه نسبت به آنان معترض است.

اسکار اشتراوس که به شکار علاقه بسیار داشت با ساخت پلی بر روی رودخانه که به نام پل فرنگی معروف است، در ایام فراغت با اسب به شکار خرگوش و کبک در دامنه کوه مجاور (مستوفی) سرگرم می‌شد. او تا کناره کویر راه باریک کالسکه رویی ساخت و در اطراف تالاب میقان به شکار مرغابی، قرقاول، آهو و... می‌پرداخت. شرکت زیگлер با همکاری تجار تبریزی مدت ۵۰ سال، بازار فرش سلطان‌آباد عراق (اراک) و صادرات

آن را به اروپا و امریکا در اختیار داشت. شخصی به نام «محمد میرزا خان خزاعی» (فرزند ابوتراب فوق الذکر) که به زبان‌های بیگانه تسلط کامل داشت، با توانایی زیاد مدیریت تولید شرکت زیگلر را عهده‌دار بود و نسبت به تولید و صادرات فرش سلطان‌آباد خدمات بسیاری کرد.^۱ با بررسی وضعیت شرکت سوئسی انگلیسی زیگلر و سرمایه‌گذاری آن در تبریز به این نتیجه می‌رسیم که ناامنی و راهزنی در تبریز و راه‌های منتهی به آن که ناشی از عدم فهم مناسبات بین‌المللی بوده است. مهم‌ترین دلیل کمپانی برای نقل مکان به اراک بوده است. دزدی اموال دو تبعه سوئیس و بعد شکایت آنان به سفارت آلمان و انگلیس به خوبی نشان می‌دهد که عدم وجود سفارت مستقلی به نام سوئیس در عدم احقاق حقوق آن‌ها تأثیر فراوان داشته است. حضور ناصرالدین شاه در سلطان‌آباد و عدم توجه کافی به گلایه کارگران گویای دو مطلب است. از یک سو ناصرالدین شاه به تأثیر حضور کمپانی زیگلر در رونق کسب و کار مردم منطقه آگاه بوده است. و از سویی دیگر سعی داشته به کمپانی مزبور اطمینان دهد که شخص شاه از حضور آنها حمایت می‌کند. نخستین کارخانه نخ ریزی ایران که توسط مرتضی قلی خان صنایع الدوله (اولین رئیس مجلس شورای ملی) به سال ۱۲۷۲ خورشیدی با تکنولوژی و نیترتور سوئیس و با حمایت مالی حاج محمدتقی شاهرودی راه اندازی شد.

نتیجه‌گیری

ورود ایران در شبکه جهانی تجارت که از دوره صفویه شروع شده بود، در دوره قاجاریه شتاب بیشتری پیدا کرد و تجارت خارجی ایران را تحت تأثیر قرار داد. در این دوره در صادرات و واردات ایران، میزان حجم کالاها و راه‌های تجاری و بازرگانی نیز تغییراتی

^۱ سال ۱۳۱۰ خورشیدی در حکومت پهلوی اول پس از لغو کاپیتولاسیون و خروج اروپاییان از ایران، یکی از بازرگان خوشنام اراک، به نام «حاج حسن وکیل» قلعه را با کلیه اثاث و ملزومات شرکت به مبلغ هشتاد و پنج هزار تومان از شرکت زیگلر خریداری کرد. ساختمان زیبای پارک واقع در قلعه فرنگی نیز منزل مسکونی او شد و از آن پس «قلعه حاج وکیل» نام گرفت. باغ - قلعه وکیل با دیواری مرتفع و خیابان بندی و درختان انبوه، از سه طرف به خیابان اصلی راه داشت. ورودی اصلی یا سردری زیبا به طرف کلیسای مسروپ مقدس و مدرسه شرف ارامنه گشوده می‌شد. حوض بزرگ بیضی شکل آن با عمق کم، چون دریاچه‌ای مواج، فضای پارک را شاداب و مرطوب نگاه می‌داشت. پس از سال ۱۳۲۰ خورشیدی زمین‌های ۲۰ هکتاری قلعه به مرور زمان به قطعات متعدد، تقسیم و ساخته شدند. ساختمان اصلی پارک فعلاً در اختیار سازمان میراث فرهنگی است. (برگرفته از کتاب در دست چاپ «سلطان‌آباد عراق (اراک) از تولد تا برآمدن پهلوی» نوشته ولی اله شمشیربندی).

به وجود آمد. به دلیل جنگ‌های ایران و روس، بخشی از سرزمین حاصلخیز ایران در قفقاز و آسیای مرکزی و حاشیه دریای مازندران و کانون تولید ابریشم، پنبه و محصولات کشاورزی از دست رفت. رقابت روس و انگلیس در ایران شدت بیشتر پیدا کرد و مجموعه‌های از امتیازات، معاهدات تجاری و بازرگانی را به ایران تحمیل و باعث تأثیرگذاری در صادرات و واردات ایران شد. حجم زیادی از منسوجات صنعتی به بازار ایران وارد و صادرات ابریشم و پارچه‌های ابریشمی را تحت تأثیر قرار داد. اگرچه بیماری کرم ابریشم و از دست رفتن مراکز اصلی تولید ابریشم در حاشیه دریای مازندران هم در این کاهش بی تأثیر نبود. کاهش صادرات ابریشم باعث افزایش خروج صادرات طال و نقره از ایران به ویژه به هند شد و تراز بازرگانی ایران را منفی ساخت. دولت برای افزایش صادرات و جلوگیری از تورم، صادرات پنبه و محصولات کشاورزی را در اولویت قرار داد. با ورود به نیمه دوم قرن نوزدهم در میان صادرات ایران فرش جایگاه مهمی پیدا کرد و به کالایی راهبردی تبدیل شد. نتیجه این سرمایه گذاری، افزایش کارگاه‌های فرش‌بافی و افزایش تولید و صادرات فرش بود.

شرکت انگلیسی و سویسی زیگلر در سال ۱۲۹۵ق/ ۱۸۷۸م در تبریز و در ۱۳۰۱ق/ ۱۸۸۳م در سلطان آباد (اراک) شروع به سرمایه گذاری و ایجاد دفاتر و شعب نمود، در تولید و صادرات فرش دستباف ایرانی و بازاریابی در خارج از کشور ایفای نقش کرد. این شرکت از یک سو، از طریق مذاکره و توافق با عوامل محلی، مواد خام و پشم را تهیه و از سوی دیگر، فرش را پیش از بسته بندی و صادرات به دقت مورد بازرسی قرار می‌داد. در گزارش سال ۱۳۱۲ق/ ۱۸۹۴م در مورد شرکت زیگلر آمده است که دارای تأسیسات بزرگ، حدود ۴۰ هزار یارد مربع با هزینه ۶ هزار لیره بوده که در آنجا پشم بافته را تحویل بافنده می‌دادند

این تأسیسات چنان بزرگ بود که مردم سلطان آباد نام قلعه بر آن گذاشته بودند. به نوشته سفیر فرانسه که در سال ۱۹۰۶م به ایران آمده «آقایان زیگلر حق‌العمل کاران سویسی مقیم منچستر در دادوستد با ایران تبحر پیدا کرده بودند و تجارتخانه مرکزی آنها در تبریز و شعباتش در شهرهای تهران، اصفهان، یزد، شیراز و بوشهر دایر بود. شعبه سلطان آباد آن منحصرأ به صادرات قالی اختصاص داشت.» افزون بر این شهرها، دامنه کار را به رشت،

مشهد، بندرعباس و بغداد کشاند. در این شهرها نمایندگان مستقر کرده بود که برای او کار می‌کردند. فرش‌ها را برای بافت سفارش می‌داد و فرشی را صادر می‌کرد که برای بازار اروپا مناسب بود. غیر از فرش، انواع کالا های دیگر مثل پارچه های قلمکار، «مخمل کاشان، ابریشم رشت، شال‌های بافت کرمان، پارچه‌های زریدوزی شده یزد و دستمال‌های ابریشمی مناطق ابریشمخیز ایران مانند تبریز، رشت، کاشان و یزد نیز جزء اقالم صادراتی این شرکت بود.» رایت، فرش و تجارت آن را تا پیش از کشف نفت و تا پیش از پایان دوران قاجاریه، یکی از مهمترین صادرات ایران و عامل موازنه تجارت ایران با اروپا به شمار می‌آورد و تأکید می‌کند که شرکت زیگلر با روی آوردن به تجارت فرش در این راه نقش مهم و حساسی را ایفا کرده است. بدین ترتیب، تحت تأثیر مجموع عوامل داخلی و خارجی گفته شده، صنعت فرش در نیمه دوم قرن نوزده میلادی / سیزده قمری، احیا شد و در اواخر این قرن و اوایل سده بیستم میلادی / چهارده قمری، از رونق و شکوفایی بالایی برخوردار شد و نه تنها به عنوان یک کالای عمده صادراتی و ارزآور مورد توجه قرار گرفت، بلکه از جایگاه و شهرت جهانی نیز برخوردار شد.

منابع

- ادواردز، آرتور سیسیل (۱۳۶۸)، قالی ایران، ترجمه مهیندخت صبا، تهران: فرهنگسرا.
- اشرف، احمد. (۱۳۹۵). موانع تاریخی رشد سرمایه‌داری در ایران: دوره قاجاریه، تهران: زمینه.
- افشار، ایرج. (۱۳۸۰). دفتر تاریخ مجموعه اسناد و منابع تاریخی، ج ۲، تهران: بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار.
- اوین، اوژن (۱۳۹۱)، ایران امروز؛ ۱۹۰۶-۱۹۰۷م، ترجمه علی اصغر سعیدی، تهران: علم.
- تبریزی، علی. (۲۵۳۵). مجموعه آثار قلمی ثقت الاسلام شهید تبریزی، تصحیح نصرت الله فتحی، تهران: انجمن آثار ملی، ۹۲، ۲۵۵.

تبریزی، میرزا علی ثقفی الاسلام. (۱۳۸۹). رسائل سیاسی ثقفی الاسلام تبریزی به اهتمام علی‌اصغر حقدار، تهران: چشمه.

جورابچی، محمد تقی. (۱۳۸۶). حرفی از هزاران که اندر عبارت آمد: خاطرات حاج محمد تقی

جورابچی، تصحیح علی‌قصری، تهران: نشر تاریخ ایران.

دهگان، بهمن، (۱۳۶۲). اسرار سقوط احمدشاه، تهران: فردوسی.

عیسوی، چارلز. (۱۳۶۲). تاریخ اقتصادی ایران عصر قاجار، ترجمه یعقوب آژند، تهران: گستره.

عیسوی، چارلز. (۱۳۶۲). تاریخ اقتصادی ایران عصر قاجار ۱۳۳۲-۱۲۱۵ ه ق، تهران: گستره.

فلور، ویلم. (۱۳۹۳). صنایع کهن؛ ۱۸۰۰-۱۹۲۵، ترجمه علیرضا بهارلو، تهران: پیکره.

کرزن، ج. ن (۱۳۸۷). ایران و قضیه ایران، ترجمه غلامعلی وحید مازندرانی، ج ۲، تهران: علمی و فرهنگی.

مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه، کارتن ۵۴، پرونده ۹، ش ۱.

مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه، کارتن ۵۴، پرونده ۹، ش ۳۲، ۴۴.

مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه، کارتن ۴، پرونده ۱۸، ش ۴.

مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه، کارتن ۴، پرونده ۲، ش ۱۶.

مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه، کارتن ۵، پرونده ۱۱، ش ۵.

وکیلی طباطبائی تبریزی، رضا. (۱۳۹۵). تاریخ عراق (سلطان‌آباد عراق، اراک)، تهران: آیندگان.

ویجویه‌ای، محمدباقر. (۱۳۹۴). تاریخ انقلاب آذربایجان و بلوای تبریز، تهران: یاران، ۶۷-۶۸.

یارشاطر، احسان (۱۳۸۳). تاریخ و هنر فرش‌بافی در ایران: فرش‌های دوران قاجاریه، زیر نظر احسان یارشاطر، ترجمه ر.علی خمسه، تهران: نیلوفر.

A. IniahkBritainandSwitzerkmnd 1845- 1860 (London، 1966)، TableI.

<https://vista.ir/m/c/y65nu/%D9%81%D8%B1%D8%B4->

[%D8%A7%D8%B1%D8%A7%DA%A9\(%D8%B3%D8%A7%D8%B1%D9%88%D9%82\)](https://vista.ir/m/c/y65nu/%D9%81%D8%B1%D8%B4-%D8%A7%D8%B1%D8%A7%DA%A9(%D8%B3%D8%A7%D8%B1%D9%88%D9%82))

Ziegler's Sultanabad Carpet Enterprise Author(s): Annette Ittig. Iranian Studies, Vol. 25, No. 1/2, The Carpets and Textiles of Iran: New Perspectives in Research (1992), pp. 105-107

Ziegler's Sultanabad Carpet Enterprise Author(s): Annette Ittig. Iranian Studies, Vol. 25, No. 1/2, The Carpets and Textiles of Iran: New Perspectives in Research (1992),

Ziegler's Sultanabad Carpet Enterprise Author(s): Annette Ittig. Iranian Studies, Vol. 25, No. 1/2, The Carpets and Textiles of Iran: New Perspectives in Research (1992), pp. 103-

Ziegler's Sultanabad Carpet Enterprise Author(s): Annette Ittig. Iranian Studies, Vol. 25, No. 1/2, The Carpets and Textiles of Iran: New Perspectives in Research (1992), pp. 105-